

## بررسی وضع موجود همکاری های منطقه‌ای و بین‌المللی در مشارکت عمومی و خصوصی در ایران و پیشنهاد راهکارهای تقویت و توسعه آن

دکتر میثم موسائی<sup>۱</sup>

مهدی رضائی<sup>۲</sup>

### چکیده

زیرساختها برای رشد اقتصادی کشورها ضروری است و اغلب کندی رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، به دلیل ضعف زیرساختهای این گروه از کشورها تفسیر می‌شود. از زمانی که درباره کارایی تصدی دولت در ایجاد و زیرساختها تردید حاصل شد، این ایده تقویت شد که لازم است بخش خصوصی در زمینه زیرساختها وارد گردد و روشهایی برای دخالت بخش خصوصی در زمینه زیرساختها مطرح شد که از طیف خصوصی‌سازی کامل تا مشارکت دولت و بخش خصوصی را در می‌گرفت. زیرساختها معمولا به سرمایه‌عظیم، فناوری و دانش مدیریت پیشرفته نیازمند است که یک کشور در حال توسعه با درآمد متوسط یا پائین، این امکانات را در دسترس ندارد؛ لذا مشارکت خارجیان در امور مذکور ضرورت دارد.

در این مقاله به دنبال یافتن پاسخی برای این مسأله هستیم که وضع موجود همکاری‌ها و مشارکت سایرکشورها در مشارکت عمومی و خصوصی با تاکید بر زیرساختها در ایران چگونه است و راه‌کارهای توسعه و تقویت این همکاری‌ها کدامند؟ این مقاله از آمار توصیفی و تحلیل کیفی تجربیات سایر کشورهای و تحلیل کارهای صورت گرفته در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) در زیرساختها استفاده کرده است. این مقاله ضمن بررسی عملکرد کشورهای واقع در غرب آسیا در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زیرساختها و محدودیتهایی که این کشورها، مخصوصا ایران، سرراه ورود سرمایه خارجی به زیرساختها اعمال نموده‌اند، شاخصهای موثر بر جذب FDI در زیرساختها را برای ایران بررسی و با کشورهای منطقه مقایسه نموده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران در میان کشورهای منطقه در جذب FDI در زیرساختها از موقعیت متوسطی برخوردار است و از برخی از کشورهای منطقه موفق‌تر و از برخی از آنها ناموفق‌تر است. این مقاله نتیجه می‌گیرد که برای ارتقای سهم ایران در جذب FDI در زیرساختها، آزادسازی، خصوصی‌سازی و تجدید ساختار زیر بخش‌های مربوط به زیرساختها به عنوان راه‌های اصلی قابل توجه‌اند.

کلیدواژه‌ها: ایران، مشارکتهای عمومی و خصوصی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کشورهای منطقه.

---

۱- استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران [mousaei1967@yahoo.com](mailto:mousaei1967@yahoo.com)

۲- عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی [m.rezai@itsr.ir](mailto:m.rezai@itsr.ir)

اهمیت مشارکت بخش عمومی با بخش عمومی از این باور نشات می‌گیرد که سازوکار بازار، مطلوب‌تر از سازوکار دولت در تولید و عرضه محصولات است. هنگامی که خدمات زیرساختها را یک شبیه کالای عمومی در نظر بگیریم که شکست بازار در تولید آنها رخ می‌دهد، آنگاه فراهم کردن آن از سوی بخش خصوصی محلی از اعراب ندارد؛ مگر اینکه باور داشته باشیم بخش خصوصی قادر است که به طور کامل و یا به صورت مشارکتی، بخشی از تهیه و مدیریت زیرساختها را بر عهده داشته باشد. هنگامی می‌توان ایجاد و مدیریت زیرساختها را بر عهده بخش خصوصی (تماماً یا به صورت مشارکت) گذاشت که در وهله اول، زیرساختها را از شمول کالاهای عمومی خارج نمائیم. هرچند برخی از دغدغه‌ها و حساسیتها راجع به بعضی حیطه‌های زیرساختی به تناسب وضعیت یک جامعه وجود خواهد داشت. با این حال این حساسیتها از اقتصادی به اقتصاد دیگر متفاوت است. گرچه اغلب زیرساختها تحت تملک دولت است، شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از دو دهه گذشته سعی دارند با خصوصی‌سازی و تغییر قوانین، زیرساختها را به سمت مشارکت با بخش خصوصی سوق دهند (Parker and al, 2006).

مشارکت با خارجی‌ان به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>1</sup> دارای منافع زیادی برای سرمایه‌گذاران و کشور سرمایه‌پذیر دارد و از اینرو دیده می‌شود که جریان FDI پس از گذار از دوران کاهش خود در دوره رکود اقتصادی اخیر به رشد خود ادامه می‌دهد (UNCTAD, WIR, 2011). بنا بر تعریف، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرآیندی است که به وسیله آن، یک کشور (کشور مبداء)، مالکیت دارائیهها را در یک کشور دیگر (کشور میزبان) با هدف کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیتها به دست می‌آورد. FDI به مثابه سروکار داشتن با سرمایه‌گذاری بلندمدت و منعکس‌کننده منافع بلندمدت و کنترل یک نهاد اقتصادی در کشور میزبان است. (Moosa; 2002, UNCTAD; WIR; 1999, p. 316, and IMF, 2006; pp.73-77). این رابطه بلندمدت تضمین می‌کند تا سرمایه‌گذار خارجی، منافع و مضار سرمایه‌گذاری در زیرساختها را لحاظ کرده و به تبع آن، منافع توسعه‌ای حاصل از بهبود زیرساختها را در نظر داشته باشد. همچنین تمامی فعالیتهایی که مرتبط با زیرساختها می‌باشند، در بخش سوم اقتصاد جای گرفته‌اند. بخش سوم یا بخش خدمات، بخشی است که از بخشهای اول (نظیر کشاورزی، دامپروری و معدن) و دوم اقتصاد (تولید کارخانه‌ای)، مستثنی شده باشد. فعالیتهای زیربخشهای بخش سوم شامل فعالیتهایی نظیر تولید، انتقال و توزیع برق، آب و گاز شهری و حمل‌ونقل در انواع مختلف آن (زیرساختهای سخت) است که انجام اینگونه فعالیتها، سازوکار با مقیاس بزرگ را نیاز دارد؛ همچنین می‌توان در این بخش، مستغلات و خدمات ساختمانی را دید که در اقتصاد کشورها، نقش زیادی داراست. کالاهای عمومی و کلیه خدمات دولتها نظیر امنیت، دفاع، آموزش، بهداشت و امور مربوط به دادرسی (زیرساختهای نرم) نیز در بخش خدمات جای می‌گیرد که اهمیت آن برای هر جامعه‌ای کاملاً آشکار است. زیرساختها برای تضمین رشد اقتصادی و حرکت به سوی اقتصاد بازار یک کشور در حال توسعه لازم است. حتی برای یک کشور پیشرفته

---

1 - Foreign Direct Investment (FDI)

نیز، سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، ممکن است نیازمند بهبود برخی از زیرساختها باشد. بسیاری از گزارشها، پائین بودن رشد اقتصادی کشورهايشان را به ناکافی بودن زیرساختها، مخصوصاً زیرساختهای مخابراتی و ارتباطاتی نسبت می دهند و ادعان می دارند که سرمایه گذاری در این زیرساختها، موجب رشد اقتصادی می گردد.<sup>۱</sup> به دلیل اهمیت بخش سوم اقتصاد، آمارها جهانی نشان می دهد که کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، نسبت به دهه های گذشته، سرمایه گذاری مستقیم خارجی زیادی در بخش سوم اقتصاد جذب کرده اند. همان دغدغه هائی که در رابطه با دخالت بخش خصوصی در رابطه با زیرساختها و جود دارد، به مشارکت خارجیان به اندازه بیشتری تسری دارد؛ زیرا که مشارکت خارجیان به شکل FDI در زیرساختهای یک کشور، حساسیت دخالت خارجیان را به حساسیتهای دیگر می افزاید و این حساسیت به این شکل بروز می کند که هنگامی که به بخش خصوصی داخلی در رابطه با فراهم کردن و مدیریت زیرساختها اعتمادی نیست، چگونه می توان به خارجیان اعتماد کرد.

این مقاله، به بررسی این موضوع می پردازد که مشارکت خارجیان در زیرساختهای ایران چگونه بوده و ایران را از این منظر با کشورهای منطقه غرب آسیا، مقایسه می کند. سپس عوامل موثر بر جذب FDI در زیرساختها ایران را بررسی کرده و ملزوماتی آن را برای ایران برمی شمارد. همچنین این مقاله با توجه به مشکلات فراروی انجام مشارکت با خارجیان در زمینه زیرساختهای ایران، راهحلهایی را با توجه به تجربه جهانی ارائه می دهد.

#### ۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی و بخش سوم اقتصاد

مشارکت خارجی در بخش سوم اقتصاد کشورهای جهان اهمیت دارد. در جدول ۱، مقادیر ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در بخشها و زیربخشهای مختلف اقتصاد گروه کشورهای در حال توسعه، در حال گذار و توسعه یافته برای دو دوره ۱۹۹۱-۱۹۸۹ و ۲۰۰۷-۲۰۰۵ آورده شده است.

جدول ۱: مقادیر ورودی FDI در بخشها و زیربخشهای مختلف اقتصاد گروه کشورهای در حال توسعه، در حال گذار و توسعه یافته برای دو دوره ۱۹۹۱-۱۹۸۹ و ۲۰۰۷-۲۰۰۵ (میلیون دلار)

	۱۹۹۱-۱۹۸۹			۲۰۰۷-۲۰۰۵			جهان
	کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	جهان	کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	جنوب-شرق اروپا و CIS	
کل	۱۵۱،۹۹۸	۳۴،۵۵۱	۱۸۶،۵۴	۱،۰۶۰،۰۸۴	۳۶۷،۲۹۴	۴۳،۸۸۶	۱،۴۷۱،۲۶۴
بخش اول	۸،۹۹۸	۳،۸۶۰	۱۲،۸۵۸	۱۲۴،۰۴۶	۳۳،۶۳۹	۱۳،۲۰۶	۱۷۰،۸۹۱
صنایع کارخانه ای	۴۷،۷۶۹	۱۶،۰۸۱	۶۳،۸۴۹	۲۳۲،۱۴۱	۱۱۳،۸۵۰	۷،۱۹۲	۳۵۳،۱۸۳
بخش سوم (خدمات)	۸۳،۴۷۷	۱۰،۶۳۴	۹۴،۱۱۱	۶۳۶،۲۳۸	۲۰۸،۱۸۰	۲۲،۹۳۱	۸۶۷،۳۴۹
برق، آب و گاز	۸۱۸	۱،۱۸۳	۲،۰۰۱	۳۳،۶۶۴	۷،۴۹۲	۲۲۹	۴۱،۲۸۵

۱- مثلاً در این رابطه، سباستین ادوارز (۲۰۰۱) در مورد کشورهای آمریکای لاتین، این تجربه را بیان می دارد و شینوزاکی (۲۰۰۸) از این اهمیت زیرساخت فناوری اطلاعات را برای رشد اقتصادی بیشتر ژاپن ابراز می دارد.

مستغلات	۴۷۶	۵۶۷	۱،۰۴۳	۹،۸۰۹	۶،۴۲۸	۸۷۹	۱۷،۱۱۶
تجارت	۱۶،۲۸۹	۲،۳۱۰	۱۸،۵۹۹	۸۱،۸۷۲	۲۵،۰۹۱	۳،۸۰۴	۱۱۰،۷۶۷
هتلداری و رستوران‌داری	۳،۵۶۲	۱،۰۷۲	۴،۶۳۴	۳،۴۷۴	۳،۶۰۳	۱۹۸	۷،۲۷۵
حمل و نقل انبارداری و	۱،۶۳۳	۱،۱۹۶	۲،۸۲۹	۶۹،۳۲۹	۲۴،۸۳۶	۲،۲۲۷	۹۶،۳۹۲
مالی	۳۰،۹۱۵	۲،۱۷۹	۳۳،۰۹۴	۲۳۷،۶۷۱	۷۰،۹۲۳	۵،۸۷۹	۳۱۴،۴۷۳
فعالیت‌های کسب و کار	۱۷،۰۸۹	۱،۳۱۳	۱۸،۴۰۲	۱۵۵،۹۱۸	۶۰،۲۷۵	۹،۳۴۶	۲۲۵،۵۳۹
مدیریت عمومی و دفاع	۲،۲۹۰	...	۲،۲۹۰	۴۷۹-	...	۳۷	۴۴۲-
آموزش	۷	۴	۱۱	۵۰۷	۹۲	۷-	۵۹۲
بهداشت	۶۷	۲۳	۸۹	۶،۱۹۳	۲۴۱	۴۷	۶،۴۸۱
فعالیت‌های خدمات فردی و	۲،۲۴۸	۶	۲،۲۵۴	۱،۹۷۸	۲،۳۰۹	۲۰۰	۴،۴۸۷
سایر خدمات	۷،۰۸۸	۴۱۹	۷،۵۰۷	۱۵،۵۶۵	۲،۳۸۱	۲	۱۷،۹۴۸
فعالیت‌های بخش سومی که طبقه‌بندی نشده‌اند	۹۹۴	۳۶۳	۱،۳۵۸	۲۰،۷۳۷	۴،۶۱۲	۸۸	۲۵،۴۳۷
سهم بخش سوم اقتصاد از کل FDI (درصد)	۵۴،۹	۳۰،۸	۵۰،۴	۶۰	۵۶،۷	۵۲،۳	۵۹

Source: UNCTAD, WIR, 2009, annex table A.I.6

اگر برای دوره ۷-۲۰۰۵، گروه کشورهای در حال گذار را جزء گروه کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی کنیم، در کشورهای در حال توسعه طی ۹۱-۱۹۸۹، صنایع کارخانه‌ای از سایر صنایع، جذب بیشتری از FDI داشت؛ به نحوی که صنایع کارخانه‌ای حدود ۴۶/۵ درصد، خدمات ۳۱ درصد و صنایع دست اول، ۱۱ درصد از کل انجام FDI در اقتصاد را به خود اختصاص دادند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که در دو دهه پیش، انجام FDI در بخش خدمات کشورهای توسعه یافته نسبت به سایر صنایع این گروه از کشورها، اهمیت بیشتری داشته است؛ اما در همان زمان، برای کشورهای در حال توسعه، انجام FDI در بخشهای صنایع کارخانه‌ای، مقبولیت بیشتری داشته است. برای کشورهای در حال توسعه پس از گذشت دو دهه، در حالی که جذب FDI در بخش خدمات در حال فزونی است (این سهم از ۹-۱۹۸۹ به ۷-۲۰۰۵، حدود ۸۲ درصد رشد داشته است)، سهم صنایع کارخانه‌ای از جذب FDI، کاهش و سهم بخش اول اقتصاد تقریباً ثابت مانده است. برای کشورهای توسعه یافته نیز مشاهده می‌گردد که سهم خدمات افزایش یافته است (افزایش از ۵۵ درصد به ۶۰ درصد طی دو دهه پیش)؛ سهم بخش اول نیز از ۶ درصد، به ۱۲ درصد افزایش یافته است.

به طور کلی ملاحظه می‌گردد که اهمیت انجام FDI در بخش خدمات نسبت به سایر بخش‌ها، در حال فزونی است؛ در حالی که اهمیت صنایع کارخانه‌ای از این منظر، در حال کاهش است. ملاحظه می‌گردد که طی دوره ۱۹۹۱-۱۹۸۹، فعالیت‌های نظیر مدیریت عمومی و دفاعی و یا خدمات فردی و اجتماعی، در میانه رتبه‌بندی جذب FDI در بخش خدمات قرار داشته‌اند؛ اما در طی دوره ۷-۲۰۰۵، رتبه‌بندی این فعالیتها به انتهای جدول سقوط کرده است؛ مثلاً در دو دهه پیش، فعالیت‌های دفاعی، حدود ۲/۲ میلیارد دلار جذب FDI داشته است که

این سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته بود؛ اما به مرور زمان، این زیربخش خدماتی با خالص ورود منفی FDI مواجه شد؛ به نحوی که مقدار جذب FDI در این فعالیت در دوره ۷-۲۰۰۵ برای جهان، به طور متوسط ۴۴۴ میلیون دلار شده است.

آمار و ارقام اشاره شده در فوق، حاکی است که هم کشورهای در حال توسعه مایل‌اند که در فعالیتهای زیرساختی جذب مشارکت خارجی داشته باشند و هم سرمایه‌گذاران خارجی که بیشتر مبداء آنها کشورهای توسعه‌یافته می‌باشند نیز خواهان سرمایه‌گذاری در این بخش از اقتصاد هستند. با این حال، بسیاری از مشکلات در مشارکت خارجی برای سرمایه‌گذاری و مدیریت فعالیتهای بخش سوم اقتصاد وجود دارد که در این میان، زیرساختها، با مشکلات بیشتری مواجه‌اند. زیرساختها با توجه به ماهیتی که دارند، به طور کلی هم بر با مشارکت بخش خصوصی داخلی و به مراتب بیشتر، با مشارکت خارجیان، مشکل زیادی دارد.

با بررسی آمار و ارقام ورود FDI به کشورهای منطقه طی یک دهه گذشته در می‌یابیم که سال ۲۰۰۶، تحول عظیمی از منظر جذب FDI برای کشورهای واقع در غرب آسیا محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> از سال ۲۰۰۵ به ۲۰۰۶، همانند سال‌های قبل از سال ۲۰۰۵، جریان ورود FDI به کشورهای واقع در غرب آسیا، به رشد خود ادامه داد که دلیل اصلی آن، رشد بالای اقتصادی، استراتژی متنوع‌سازی اقتصاد، اصلاحات اقتصادی، آزادسازی بوده است. در سالهای قبل، بخش خدمات نسبت به سایر بخشها در جذب FDI ضعیف عمل می‌شود و بیشتر FDI به بخش صنایع تولید کارخانه‌ای مخصوصاً صنایع کارخانه‌ای مرتبط با نفت و گاز روان می‌گشت؛ اما در سالهای اخیر، بخش خدمات در جذب FDI خوب عمل کرده است. بیشتر FDI انجام شده در غرب آسیا، بیشتر از سوی شرکتهای فراملی کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته است؛ هرچند که کشورهای در حال توسعه نیز سعی می‌کنند در غرب آسیا FDI انجام دهند. سهم عمده FDI انجام شده در غرب آسیا، بیشتر مربوط به کشورهای عربستان، امارات و ترکیه است که علل اصلی آن، تسهیل قوانین برای جذب FDI در بخش خدمات (مخصوصاً در بخش مالی، مستغلات و ارتباطات)، پیشرفت برنامه‌های خصوصی‌سازی، بهبود شاخص محیط کسب و کار رشد اقتصادی است. محرک اصلی جذب FDI به بخش خدمات کشورهای غرب آسیا، آزادسازی این بخش از اقتصاد کشورهای غرب آسیا و انجام ادغام و اکتساب بین خود کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس" بوده است و این نوع FDIها بیشتر به سمت فعالیت‌هایی نظیر مستغلات و بخش مالی روان شده است. در بخش مالی، قوانین مربوط به تأمین مالی اسلامی<sup>۲</sup>، کمک شایانی به جذب FDI در بخش مالی کرده است. اردن نیز در جذب FDI در بخش مخابرات از طریق ادغام و اکتساب<sup>۳</sup> بسیار فعال بوده است (UNCTAD, WIR, 2007).

در جدول ذیل ادغام‌ها و اکتساب‌های صورت گرفته در غرب آسیا ارزش سهام به شرکتهای خارجی یا جذب FDI) و نیز ادغام‌ها و اکتساب‌هایی که کشورهای واقع در غرب آسیا در سایر کشورهای انجام داده‌اند (خرید سهام سایر کشورها یا انجام FDI در خارج) برای دو سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به میلیون دلار آمده است. ملاحظه

---

۱- نگاه کنید به: مهدی رضائی و حسن ولی‌بیگی (۱۳۹۰) در مورد تغییرات انداز FDI ورودی و خروجی به کشورهای غرب آسیا طی یک دهه پیش .

2- Islamic Finance

3- Merge & Accusation (M&A)

می‌گردد که در مجموع، خریده‌ها از فروش در سال ۲۰۰۹ کمتر بوده است. همچنین از سال ۲۰۰۹، در حالی که خرید رشد داشته است، فروش با کاهش بسیار زیادی مواجه بوده است و بنابراین در سال ۲۰۱۰، مهم‌ترین منبع ورودی FDI به کشورهای غرب آسیا، از طریق FDI از نوع گرینفیلد<sup>۱</sup> بوده است. دیده می‌شود که بخش خدمات هم در خرید و هم فروش، نسبت به سایر بخشهای اقتصاد کشورهای غرب آسیا فعال بوده است.

جدول ۱: خرید و فروش سهام سهم کشورهای واقع در غرب آسیا در دو سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ (میلیون دلار)

فروش		خرید		شرح
۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹	
-۱۵,۵۶۰	۲۶,۸۴۳	۴,۶۱۷	۳,۵۴۳	مجموع
۱,۴۸۴	۵۲	۱۷۰	۸	بخش اول
۸	۱۴۲	۲,۱۲۶	۱۹۹	صنایع کارخانه‌ای
-۱۷,۰۵۲	۲۶,۶۴۸	۲,۳۲۱	۳,۳۳۶	خدمات
۴۰۰	۷۲۴	-۵۹	۲,۳۶۱	آب، گاز و برق
..	...	۱۴	۷۸	ساختمان‌سازی
۱۲	۸۵	۷۴	۸۵	تجارت
۱۵-	...	۳۳۱	...	هتل و رستوران
-۱۰,۷۳۶	۱,۶۴۵	۱۰۰	۴۱	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
-۱,۸۹۷	۲۴,۵۱۰	۱,۶۳۷	۵۵۰	مالی
۵۵۶	۲۹۷	۱۴۶	۱۲۰	خدمات کسب‌وکار
-۵,۳۷۲	-۶۱۲	...	...	مدیریت عمومی و دفاع
...	...	۱۱۲	۱۰۰	خدمات اجتماعی و بهداشتی
...	...	-۳۸	...	فعالتهای مرتبط با خدمات شخصی و اجتماعی

Source: UNCTAD; WIR, 2011, p. 52, Table D.

همانطور که ملاحظه می‌گردد، به طور کلی جذب FDI در بخش خدمات کشورهای غرب آسیا، بیشتر از انجام FDI توسط کشورهای واقع در غرب آسیا در بخش خدمات کشورهای خارج از غرب آسیا بوده است. آن‌گونه که دیده می‌شود، زیربخش مالی از بخش خدمات، قوی‌ترین زیربخش در بخش خدمات و حتی قویترین زیربخش در بین تمامی زیربخشهای اقتصاد کشورهای غرب آسیا هم در زمینه جذب FDI و هم در زمینه خروج FDI می‌باشد؛ مثلاً در سال ۲۰۰۹، تقریباً ۹۲ درصد از کل FDI جذب شده به بخش خدمات و ۹۱ درصد از کل FDI جذب شده به کشورهای غرب آسیا، متعلق به زیربخش مالی می‌باشد. کشورهای واقع در غرب آسیا در زیربخشهای خدمات کسب و کار، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و رستوران و تجارت، از طریق ادغام و اکتساب، در سایر کشورها سرمایه‌گذاری مستقیم می‌کنند و در زیربخشهای آب، برق و گاز، تجارت، حمل‌ونقل و انبارداری، ارتباطات و خدمات کسب و کار، از طریق ادغام و اکتساب جذب FDI می‌کنند. آن‌گونه که ملاحظه می‌گردد، کشورهای واقع در غرب آسیا، در طیف وسیعی از زیر بخشهای مرتبط با بخش خدمات، در انجام و نیز

1 - Greenfield

جذب FDI، فعال‌اند. آخرین آمار و ارقام مربوط به مشارکت خارجی‌ان در بخش سوم اقتصاد کشورهای غرب آسیا را در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

جدول ۲: انباشت ورودی FDI در کل اقتصاد و بخشهای سوم اقتصاد کشورهای واقع در غرب آسیا در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ (میلیون دلار و جاری)

عمان			ایران		
سهام (درصد)	انباشت در سال ۲۰۰۹	فعالیت	سهام (درصد)	انباشت در سال ۲۰۰۹	فعالیت
۱۳٫۹	۱٫۸۱۷	مالی	۲٫۵	۸۵۵	مالی
۲٫۴	۳۱۹	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات	۷٫۱	۲٫۴۱۸	هتل و رستوران‌داری
۳٫۲	۴۱۵	ساختمان	۵٫۳	۱٫۸۲۷	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
۱٫۳	۱۷۰	برق، گاز و آب	۲٫۷	۹۰۶	ساختمان
۱٫۲	۱۶۳	هتل و رستوران‌داری	۱۴٫۰	۴٫۷۷۲	برق، گاز و آب
۲٫۹	۳۸۳	عمده فروشی و خرده فروشی	۱٫۰	۳۵۷	مدیرین بخش عمومی و دفاع
			۰٫۲	۶۴	طبقه‌بندی نشده در بخش سوم
۲۵٫۰	۳٫۲۶۶	جمع انباشت در بخش سوم	۳۲٫۸	۱۱٫۱۹۸	جمع انباشت در بخش سوم
	۱۳٫۰۸۶	کل انباشت اقتصاد		۳۴٫۱۸۶	کل انباشت اقتصاد
ترکیه			عربستان		
سهام (درصد)	انباشت در سال ۲۰۱۰	فعالیت	سهام (درصد)	انباشت در سال ۲۰۰۹	فعالیت
۶٫۸	۱۲٫۲۱۰	برق، گاز و آب	۱۰٫۵	۱۵٫۳۷۸	ساختمان
۲۵٫۳	۴۵٫۶۲۱	مالی	۱۱٫۰	۱۶٫۱۴۴	مالی
۱۱٫۷	۲۱٫۰۲۵	عمده فروشی و خرده فروشی	۵٫۳	۷٫۷۸۷	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
۰٫۷	۱٫۲۲۳	ساختمان	۳٫۱	۴٫۵۳۶	عمده فروشی و خرده فروشی
۱۶٫۹	۳۰٫۲۸۸	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات	۴٫۴	۶٫۴۰۲	برق، گاز و آب
۰٫۹	۱٫۶۷۸	خدمات اجتماعی و بهداشت	۰٫۵	۷۸۴	هتل و رستوران‌داری
۲٫۴	۴٫۲۶۴	خدمات فردی و اجتماعی			
۰٫۴	۶۷۱	هتل و رستوران‌داری			
۰٫۰	۱۷	آموزش			
۶۵٫۰	۱۱۷٫۰۹۷	جمع انباشت در بخش سوم	۳۴٫۷	۵۱٫۰۳۱	جمع انباشت در بخش سوم
	۱۸۰٫۲۲۴	کل انباشت اقتصاد		۱۴۷٫۱۴۴	کل انباشت اقتصاد

Source: International Trade Centre; *Investment Map*; 2011

آن‌گونه که ملاحظه می‌گردد، کشورهای ترکیه و عربستان، در بین این چهار کشور واقع در غرب آسیا بیشترین انباشت FDI را دارند. از نظر سهم بخش سوم اقتصاد از کل انباشت FDI نیز دیده می‌شود که ترکیه با سهم ۶۵ درصدی، در بین این چهار کشور، در رتبه نخست قرار دارد. از این نظر، ایران و عربستان شبیه به یکدیگر بوده و عمان در بین چهار کشور، در رتبه انتهائی قرار دارد.

ایران در سال ۲۰۰۹، مقدار ۳۴/۲ میلیارد دلار انباشت FDI داشته است که از این مقدار، ۳۲/۸ درصد آن، متعلق به بخش سوم اقتصاد است. دیده می‌شود که ایران در زیربخشهای "برق، آب و گاز"، "هتل و رستوران‌داری" و "حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات"، نسبت به سایر زیربخشها در رابطه با مشارکت خارجی، فعالتر بوده است. این سه زیر ساخت، ۲۶/۴ و ۳۲/۸ درصد از انباشت کل صورت گرفته را به خود اختصاص داده‌اند. زیربخش مهم در بخش سوم اقتصاد عمان، زیربخش "مالی" می‌باشد.

۶۵ درصد از انباشت FDI کشور ترکیه به بخش سوم اقتصاد این کشور تعلق دارد. عربستان در سال ۲۰۰۹، تقریباً ۱۴۷/۱ میلیارد دلار انباشت FDI داشته است که از این مقدار، ۳۴/۷ درصد آن متعلق به بخش سوم اقتصاد می‌باشد. به طور کلی ملاحظه می‌گردد که با اینکه کشورهای واقع در غرب آسیا در مشارکت خارجی در بخش سوم اقتصاد، از کشورهای ضعیف در بین کشورهای جهان محسوب می‌گردند، با اینحال، مشارکت خارجی در زیرساختهای خود داشته‌اند که برای برخی از زیرساختها، این مشارکت بسیار آشکار است. وضعیت ایران در این بین، از دو واقعیت متأثر می‌گردد: ۱- جذب کل FDI به ایران نسبت به برخی از کشورهای منطقه پائین است. ۲- سهم بخش سوم اقتصاد ایران از کل FDI جذب شده به ایران، پائین می‌باشد.

## ۲- مطالعات انجام شده

اکثر مطالعات انجام شده در رابطه با مشارکت خارجی و زیرساختها، به اثر زیرساختها در جذب FDI اختصاص دارد؛ به این معنا که اثر زیرساختها، اعم از زیرساختهای سخت و زیرساختهای نرم، چه تاثیری بر جذب FDI می‌گذارد و مطالعات کمی در رابطه با جذب FDI در زیرساختها صورت گرفته است. در این قسمت سعی می‌گردد که وجه مشترک مهمترین مطالعات در رابطه با جذب FDI در زیرساختها بیان گردد.

فرانک سادر (۲۰۰۰)<sup>۱</sup> با بررسی جریان FDI به زیرساختهای کشورهای در حال توسعه جهان به این نتیجه می‌رسد که جریان FDI به زیرساختهای یک کشور همانند جذب FDI به هر بخشی از یک اقتصاد، به اندازه زیادی به مخاطرات اقتصادی حساس است. در این بین، قوانین و مقررات به دلیل تاثیری که بر مخاطرات اقتصادی می‌گذارند، بسیار مهم می‌باشند. ضمن اینکه قوانین می‌باید به گونه‌ای تدوین شوند که مخاطرات را برای سرمایه‌گذار خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در زیر ساختها کاهش دهد، خود قوانین نیز می‌باید ورود FDI به زیرساختها را تسهیل کند. محقق بیان می‌دارد که کشورهای در حال توسعه‌ای که ورود FDI به بخش زیرساختها را تسهیل کرده و آزادسازی در زیرساختها را انجام داده است، ورود FDI به زیرساختهای بیشتری را داشته است. نویسنده بیان می‌کند که زیرساختهای فراهم کننده خدمات زیرساختی در کشورهای در حال توسعه، می‌باید به گونه‌ای تجدید ساختار شوند تا مشارکت خارجیان در زیرساختها بتواند صورت گیرد.

ایوار کولستاد و اسپن ویلانگر (۲۰۰۴)<sup>۲</sup> بیان می‌دارند که FDI در بخش سوم اقتصاد که زیرساختها نیز جزئی از آنها می‌باشند، از آنرو که ماهیت غیرقابل مبادله دارند، به باز بودن اقتصاد حساس نبوده و این نوع مشارکتها

1 - Frank Sader, 2000

2 - Ivar Kolstad and Espen Villanger, 2004

خارجی، در واقع به نوعی خواهان منافع در بازار کشور سرمایه‌پذیر می‌باشند. اما FDI در بخش سوم اقتصاد همانند انجام FDI در بخش تولید کارخانه‌ای، از FDI‌های انجام شده در سالهای گذشته تاثیر مثبت می‌پذیرد؛ با اینحال هر زیرساختی، از FDI‌های سالهای گذشته و در بخشهای متفاوت، تاثیر متفاوتی می‌پذیرد. بخش خدمات مالی، به سرعت از رونق انجام FDI در بخش تولید کارخانه‌ای متاثر می‌شود و خارجیان را ترغیب می‌کند تا در زیرساختهای مالی، سرمایه‌گذاری کنند.

محققین بیان می‌دارند که ورود FDI به طور کلی نسبت به مخاطرات سیاسی خنثی می‌باشند؛ اما در این بین، زیرساختهایی نیز وجود دارند که از کم‌وکیف سایر زیرساختها متاثر می‌شوند؛ برای نمونه محققین بیان می‌دارند که انجام FDI در زیرساخت حمل‌ونقل به کیفیت نهادها در سایر زیرساختها بستگی دارد؛ دلیل آن این است که چگونگی زیربخش‌هایی نظیر مخابرات، به دلیل اینکه زیرساخت حمل و نقل به اندازه زیادی به این نوع زیرساخت وابسته است، به اندازه FDI در زیرساخت حمل‌ونقل تاثیر می‌گذارد؛ بنابراین ممکن است که یک زیرساخت نوعی، به مخاطرات سیاسی در رابطه با آن زیرساخت حساس نباشد؛ اما FDI در یک زیرساخت به کم‌وکیف قوانین و مقررات در سایر زیرساختها وابسته است.

کلین کیرپاتریک (۲۰۰۶)<sup>۱</sup> در تحقیقی به مطالعه عوامل تاثیرگذار بر ورود FDI به زیربخشهای کشورهای جهان پرداخت. محقق برای بررسی این عوامل، تاثیر متغیرهایی که به طور معمول بر FDI تاثیر می‌گذارد، نظیر درآمد سرانه، باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی را با متغیرهایی که از نظر تئوری به اندازه زیادی بر جذب FDI به زیربخشها موثرند را از طریق اقتصادسنجی مورد بررسی قرار داد. محقق بیان می‌نماید که جذب FDI به زیرساختها به اندازه زیادی با متغیرهایی که نشان‌دهنده اجزای حکمرانی خوب می‌باشد، تاثیر می‌پذیرد. این متغیرها شامل اثربخشی، کیفیت مقررات و شاخصهایی از این دست است، که حکمرانی خوب را می‌سازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جذب FDI در زیرساختها، همچون جذب FDI در سایر بخشها، با درآمد سرانه رابطه مستقیم دارد. همچنین تغییرات نرخ ارز حقیقی که می‌تواند نماینده‌ای از مخاطرات اقتصادی باشد، بر جذب FDI در زیربخشها تاثیر منفی می‌گذارد. محقق نتیجه می‌گیرد که جذب FDI در زیرساختها به اندازه زیادی با وضعیت حکمرانی خوب در ارتباط است و تاثیر این شاخصها بر جذب FDI در زیرساختها بیشتر از تاثیر آن بر جذب FDI در سایر بخشها می‌باشد.

آنکتاد (۲۰۰۸)<sup>۲</sup> از طریق پیمایشی که صورت داده است، نشان می‌دهد که آژانسهای تشویق سرمایه‌گذاری برای جذب مشارکت خارجیان در زیرساختها، بسیار مهم هستند؛ اما کوشش این آژانسها در بسیاری از کشورهای درحال توسعه با شکست مواجه می‌شود که دلیل اصلی آن این است که بسیاری از این آژانسها در کشورهای در حال توسعه که در جستجوی مشارکت خارجیان می‌باشند، خود دولتی هستند و توسط دولت مدیریت می‌شوند. بحث قدیم این بوده است که تصدی زیرساختها توسط بخش خصوصی منجر به شکست بازار

---

1 - Colin Kirkpatrick, David Parker and Yin-Fang Zhang, 2006  
2 - UNCTAD, 2008

می‌شود و دولت حق خود می‌داند که تماماً یا بخش عمده مدیریت یا مالکیت زیرساخت‌ها را بر عهده بگیرد و از اینرو آژانس‌های تشویق سرمایه‌گذاری دولتی نمی‌توانند در خصوصی‌سازی زیرساخت‌ها موفق باشند. همچنین این پیمایش بیان می‌دارد که یکی از مهمترین عوامل بازدارنده در برابر مشارکت خارجیان در مدیریت و مالکیت زیرساخت‌های کشورهای در حال توسعه، ضعف قوانین و مقررات می‌باشد. برای موفقیت جذب FDI، قوانین و مقرراتی که آزادسازی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را در پی‌گیرد و نیز سازوکار آن به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاری خارجی با مخاطره کمتری مواجه شود، در جذب FDI در زیرساخت‌ها بسیار موثر است. این پیمایش نشان می‌دهد که انجام مشارکت با خارجیان در زیرساخت‌هایی نظیر تولید برق و حمل و نقل، نیازمند منابع داخلی است و نبود منابع داخلی برای مشارکت با خارجیان، مهمترین عامل بازدارنده برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد. اما در زیرساخت‌هایی نظیر مخابرات، مهمترین عامل بازدارنده، آزادسازی اقتصادی می‌باشد. این پیمایش نشان می‌دهد که در یک اقتصاد رقابتی که به سرمایه‌گذاران اجازه دارند تا در بخشی از اقتصاد سرمایه‌گذاری کنند، احتمالاً سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌ها نیز صورت می‌گیرد.

### ۳- محدودیت‌ها در مشارکت خارجی در بخش سوم اقتصاد

اندازه محدودیت‌ها بر سر راه حضور شرکتهای فراملی به زیر بخشهای خدماتی، در بین مناطق و کشورهای دنیا متفاوت است. قاره آسیا، هم براساس جریان ورود FDI و همچنین وزنی‌شده آن با GDP، محدودیت بیشتری برای جذب FDI در بخش سوم اقتصاد نسبت به سایر قاره‌ها و مناطق دارد (UNCTAD, 2006). کشورهای واقع در غرب آسیا، از جمله کشورهایی می‌باشند که محدودیت زیادی را بر سر راه ورود شرکتهای فراملی به بخش سوم اقتصاد ایجاد کرده‌اند. در مورد کشورهای غرب آسیا، جدول (۳)، اطلاعات بیشتری را در مورد محدودیت ورود FDI به بخش خدمات ارائه می‌دهد. در اینجا، مقدار یک نشان‌دهنده محدودیت کامل و مقدار صفر نشان‌دهنده آزادی کامل ورود FDI به کشورهاست.

جدول ۳: اندازه محدودیت‌ها بر سر راه ورود FDI به بخش خدمات برخی از کشورهای منطقه

کشور	صرفاً بر اساس اندازه FDI	وزنی شده محدودیت ورود FDI بر اساس اندازه GDP هر یک از کشورها
پاکستان	۰/۴۲	۰/۳۵
قطر	۰/۶۴	۰/۵۴
عربستان	۰/۶۳	۰/۶۲
ترکیه	۰/۳۱	۰/۲۳
متوسط جهانی	۰/۳۲	۰/۲۸

Source: UNCTAD, 2006

جدول ۳، نشان می‌دهد که متوسط جهانی محدودیت ورود FDI به بخش خدمات بر حسب جریان ورودی FDI، مقدار ۰/۳۲ و وزنی شده آن براساس GDP، مقدار ۰/۲۸ است. در بین کشورهای منطقه، بر حسب جریان

FDI، قطر و پس از آن، عربستان، بیشترین محدودیت را بر سر راه ورود شرکتهای فراملی در بخش خدمات دارا می‌باشند. این دو کشور از جمله کشورهای برخوردار از درآمدهای نفتی نیز هستند. وزنی شده ورود FDI بر حسب GDP، نشان می‌دهد که محدودیت عربستان از این لحاظ، بیشتر از قطر است؛ یعنی با توجه به اندازه اقتصاد این دو کشور، عربستان محدودیت بیشتری از قطر در جذب FDI در بخش خدمات دارد. کشورهای عربستان، قطر و پاکستان، هم از نظر جریان ورودی FDI و هم از نظر وزنی شده این جریان، محدودیتی بیش از متوسط جهانی در برابر حضور شرکتهای چندملتی در بخش خدمات دارند. در مورد ترکیه، محدودیت ورود FDI در بخش خدمات، کمی از متوسط جهان کمتر است و از سایر کشورها منطقه نیز محدودیت کمتری در جذب FDI به بخشهای خدماتی دارد.

#### ۴- بررسی عوامل موثر بر مشارکت خارجی در بخش سوم اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه

گرچه بیشتر نظریات مرتبط با انجام FDI در یک کشور، بیشتر به رابطه تجارت و انجام FDI می‌پردازد؛ اما می‌توان بخشی از این نظریات را در مورد مشارکت خارجی در بخش زیرساختها به کار برد. زیرساختها و به طور کلی بخش اعظمی از بخش سوم اقتصاد یک کشور، ماهیت غیرقابل مبادله دارند، اما مشارکت خارجی در بخشهای زیرساختی برای انجام، همانند هرگونه دیگر از مشارکتهای خارجی، دارای وجه مشترکی است. وضعیت توسعه‌ای یک کشور برای جذب FDI، یک کشور را می‌توان در مشخصه شاخص بالقوه جذب FDI جستجو کرد. بر اساس فرضیه التقاطی دانینگ<sup>۱</sup> برای اینکه FDI اتفاق بیافتد، می‌باید این شرطها محقق گردد:

- ۱- وجود مزیت‌های ناشی از مالکیت دارائی در کشور میزبان برای سرمایه‌گذار ۲- حضور مزیت‌های مکانی در کشور میزبان و ۳- وجود منافع تجاری بارز در داخل بنگاه، در مقابل یک ارتباط جداگانه بین سرمایه‌گذار و دریافت‌کننده FDI (Moosa, 2002). شرایط اول و سوم تعیین‌کننده ویژه بنگاهها برای FDI می‌باشند و شرط دوم ویژه مکان بوده و تاثیر مهمی بر جریان FDI به یک کشور دارد. بر اساس این شرط، مزیت‌های ویژه بنگاه می‌بایست با مزیت‌های مکانی کشور میزبان ترکیب گردد؛ مثلاً بازار بزرگ یا هزینه‌های پائینتر منابع و یا زیرساختهای بارز. این ویژگی معین می‌دارد که چرا برخی از مناطق و کشورها در جذب شرکتهای فراملی موفق اند.

اولیه شرط برای حضور یک شرکت خارجی (فراملی) در کشور میزبان برای سرمایه‌گذاری، آزادسازی می‌باشد. مخصوصاً اهمیت آزادسازی در رابطه با مشارکت خارجی در زیرساختها، از آنجا که نگرانی دولت و مردم در رابطه با خصوصی‌سازی زیرساختها وجود دارد، اهمیت بیشتری دارد. اهمیت سیاست آزادسازی FDI، به مثابه یک تعیین‌کننده، از این حقیقت نشات می‌گیرد که FDI نمی‌تواند انجام شود مگر اینکه به آن اجازه داده شود تا به یک کشور وارد شود. با اینحال، سیاست آزادسازی یک شرط لازم برای انجام FDI است، اما شرط کافی برای FDI و سایر تعیین‌کننده‌های جریان سرمایه خارجی نیست. شتاب فزاینده آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی، منجر به این شده است که سیاستهای آزادسازی به صنایع حساستری گسترش یابد( نظیر زیرساختهای همچون

1 - The Eclectic Hypothesis

مخابرات و حمل و نقل).<sup>۱</sup> محدودیتهای بسیاری برای بخش سوم در جذب FDI و به طور کلی خصوصی سازی در مقایسه با سایر بخشها وضع شده است. محدود بودن این بخش در برابر خصوصی سازی به طور کل و حضور شرکتهای فراملی در این بخش در قالب خصوصی سازی همراه با مشارکت با خارجیان به طور خاص، به خاطر ماهیت اینگونه فعالیتهاست؛ در عین حال نیز، بنگاههای خصوصی مایل به سرمایه گذاری در برخی از فعالیتهای خدماتی نیستند؛ به عبارتی، از سوئی خود دولت مایل نیست تا برخی از فعالیتهای خدماتی خصوصی شود و از سوی دیگر، بخش خصوصی نیز مایل نیست تا در برخی از فعالیتهای خدماتی سرمایه گذاری کند و شکست بازار، خود را بدین صورت نشان می دهد. انواع محدودیتهائی که در بخش خدمات در برابر جذب FDI وضع می شود، در سه طبقه بندی جای می گیرد: ۱- محدودیتهای مالکیت؛ در این محدودیت، مقدار سهام خارجی برای فعالیت در کشور میزبان، محدود می شود. ۲- الزامات مرتبط با شایستگی بنگاه خارجی؛<sup>۳</sup> براساس این قید، بنگاه خارجی مورد آزمون قرار می گیرد که آیا شایستگی فعالیت به خصوصی را در کشور میزبان دارد. ۳- محدودیتهای پس از ورود بنگاه خارجی؛<sup>۴</sup> این نوع از محدودیتها، تبعیضاتی را علیه بنگاه خارجی و به نفع بنگاه داخلی، پس از آنکه فعالیتهای خدماتی توسط بنگاه خارجی شروع شد، وضع می کند. مثلاً کارکنان بنگاه از افراد ملی تشکیل شده باشند و یا اینکه ورود موقت افراد و استخدام اینگونه افراد محدود گردد (UNCTAD, WIR, 2006).

در جدول زیر رتبه جهانی کشورهای واقع در غرب آسیا در آزادی اقتصادی و امتیاز این کشورها در آزاد اقتصادی و نیز امتیاز این کشورها در شاخصهای آزادی کسب و کار و سرمایه گذاری در سال ۲۰۱۱ آورده شده است. آزادی اقتصادی دارای شاخصهای متعددی است که به حتم تمامی اینها به نحوی بر سرمایه گذاری خارجیان در زیرساختها موثراند؛ اما در اینجا تنها دو شاخص آزادی کسب و کار و آزادی سرمایه گذاری به این دلیل که تاثیر زیادی در مشارکت بخش خصوصی و خارجیان در یک کشور دارد، آورده شده است؛ هرچند در این جدول، امتیاز و رتبه جهانی کل شاخصهای مرتبط با آزادی اقتصادی نیز آمده است.

جدول ۴۰: آزادی اقتصادی و آزادی کسب و کار و سرمایه گذاری کشورهای واقع در غرب آسیا در سال ۲۰۱۱

رتبه جهانی	امتیاز در کل شاخصهای آزادی	آزادی کسب و کار	آزادی سرمایه گذاری
قطر	۷۰,۵	۷۰,۳	۴۵,۰
عمان	۶۹,۸	۶۹,۴	۵۵,۰
اردن	۶۸,۹	۶۵,۸	۷۰,۰
امارات	۶۷,۸	۶۷,۳	۳۵,۰
عربستان	۶۶,۲	۸۶,۱	۴۰,۰
کویت	۶۴,۹	۶۴,۴	۵۵,۰
ترکیه	۶۴,۲	۶۸,۷	۷۰,۰

۱- در این رابطه ن. ک. UNCTAD, WIR, 1998, pp. 92-8 & Box IV.2

2- Ownership Restriction  
 3- Screening Requirement  
 4- Post-entry

لبنان	۸۹	۶۰,۱	۵۷,۵	۶۰,۰
سوریه	۱۴۰	۵۱,۳	۵۵,۹	۲۰,۰
ایران	۱۷۱	۴۲,۱	۶۹,۴	۰,۰

Source: The Heritage Foundation, *Index of Economic Freedom*, 2011

قطر با رتبه جهانی ۲۷، نه تنها در بین کشورهای منطقه، بلکه در بین کشورهای جهان، از کشورهایی محسوب می‌گردد که آزادسازی اقتصادی آن بالا می‌باشد. کشورهای عمان و اردن نیز از کشورهایی در منطقه هستند که آزادی اقتصادی آنها بالا و شبیه به یکدیگر می‌باشد. دیده می‌شود که کشورهای سوریه و ایران در بین کشورهای منطقه، کمترین آزادی اقتصادی را دارا می‌باشند. رتبه آزادی اقتصادی برای این دو کشور به ترتیب، ۱۴۰ و ۱۷۰ می‌باشد و از آنجا که بالاترین رتبه (بدترین وضعیت) مقدار ۱۷۹ و متعلق به کره شمالی می‌باشد، از آنرو کشورهای سوریه و ایران در بین کشورهای جهان دارای وضعیت نامناسبی در آزادی اقتصادی می‌باشند؛ مخصوصاً این بد بودن وضعیت برای ایران کاملاً نمایان است؛ به نحوی که تنها ۹ کشور از نظر شاخص آزادسازی، بدتر از ایران می‌باشند. اما اگر رتبه بندی کشورهای منطقه بر اساس آزادی کسب و کار صورت گیرد، مشاهده می‌شود که کشورهای عربستان، قطر، ایران و عمان، از کشورهای منطقه می‌باشند که شاخص آزادی کسب و کار آنها بالا می‌باشد. درباره ایران می‌توان گفت که پائین بودن شاخص آزادی اقتصادی ایران، بیشتر از شاخص کسب و کار متأثر شده است تا سایر اجزای آزادی اقتصادی.<sup>۱</sup> بر اساس جدول (۴) دیده می‌شود که علی‌رغم اینکه آزادی کسب و کار برای ایران در بین کشورهای منطقه مناسب است، اما آزادی سرمایه‌گذاری برای ایران با مقدار صفر، مناسب نیست. ایران از نظر شاخص آزادی سرمایه‌گذاری در رتبه ۱۷۶ جهانی واقع شده است و لذا وضعیت ایران از این نظر، نامناسب است و تقریباً جز کشورهای محسوب می‌گردد که آزادسازی سرمایه‌گذاری در آن، جزء بدترین‌ها در جهان محسوب می‌گردد.

قوانین و مقررات، مخاطرات سیاسی را برای سرمایه‌گذاران کاهش می‌دهند. باید متذکر شد که علاوه بر مخاطرات سیاسی، انواع دیگر مخاطرات نیز برای سرمایه‌گذاران اهمیت دارد؛ در واقع، مخاطرات کشوری که یک سرمایه‌گذار با آن مواجه است، شامل مخاطرات سیاسی، مالی و اقتصادی می‌گردد که در بین سه نوع مخاطره، مخاطره سیاسی وزن بیشتری در تشکیل مخاطره کشوری دارد. قوانین و مقررات حامی سرمایه‌گذاری از این حیث که مخاطرات را کاهش می‌دهند، برای سرمایه‌گذاری و هرگونه فعالیت اقتصادی با اهمیت می‌باشد. در بخش پیشینه این مقاله نیز ملاحظه شد که مطالعات، به اندازه زیادی بر قوانین و مقررات تکیه می‌کنند. بر اساس نظریات اقتصادی راجع به FDI، آزادسازی پیش شرط ورود FDI می‌باشد، اما اقداماتی را نیز می‌باید کشور سرمایه‌پذیر انجام دهد که فراتر از آزادسازی است. بسیاری از مخاطرات سیاسی را می‌توان در شاخصهای حکمرانی خوب جستجو کرد؛ بدین معنا که هر چه قدر حکمرانی خوب برای کشور بهتر باشد، مخاطرات سیاسی برای آن کشور کمتر است.<sup>۲</sup> در جدول زیر، رتبه کشورهای واقع در غرب آسیا در شاخصهای حکمرانی خوب و

۱- حتی ایران با مقدار شاخص ۶۹/۴ در آزادی کسب و کار، رتبه ۸۰ جهانی را از این نظر دارد و قدری بالای رتبه میانی جهانی واقع شده است.

۲- بحث آزادسازی و اقدامات بعد از آزادسازی، بحث مفصلی است که در این مقاله، نمی‌گنجد. مهدی رضائی (۱۳۸۹) در اینبار و نیز انواع مخاطرات و رابطه آنها با جذب FDI بحث کرده است و تاثیر این متغیرها بر جذب FDI به ایران را بیان داشته است.

متوسط ارزش این رتبه‌ها در جدول زیر آمده است. برخلاف شاخص آزادی اقتصادی، نحوه گزارش‌دهی شاخص حکمرانی خوب به‌گونه‌ای است که هر قدر رتبه یک کشور بیشتر باشد، وضعیت آن کشور در آن رتبه بهتر است.

جدول ۵: رتبه شاخص‌های حکمرانی خوب کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۰

متوسط	کنترل فساد	حاکمیت قانون	کیفیت مقررات	اثربخشی دولت	ثبات سیاسی	جوابگوئی	
۷۰٫۲	۹۱٫۴	۷۵٫۸	۶۹٫۹	۷۸٫۰	۸۶٫۸	۱۹٫۴	قطر
۶۳٫۶	۸۰٫۴	۶۳٫۰	۶۲٫۲	۷۶٫۱	۷۵٫۹	۲۴٫۲	امارات
۶۰٫۳	۶۷٫۹	۶۸٫۲	۶۸٫۴	۶۹٫۴	۷۰٫۳	۱۷٫۵	عمان
۵۶٫۷	۶۷٫۰	۶۵٫۹	۵۵٫۵	۵۸٫۹	۶۰٫۸	۳۲٫۲	کویت
۵۰٫۴	۵۷٫۹	۵۸٫۳	۶۱٫۲	۶۶٫۰	۱۶٫۰	۴۳٫۱	ترکیه
۴۹٫۳	۵۸٫۹	۶۱٫۱	۵۷٫۴	۵۷٫۴	۳۴٫۴	۲۶٫۵	اردن
۴۴٫۹	۶۲٫۲	۶۰٫۲	۵۵٫۰	۵۲٫۶	۳۵٫۸	۳٫۸	عربستان
۳۲٫۱	۲۱٫۵	۳۰٫۳	۵۳٫۶	۴۳٫۱	۸٫۵	۳۵٫۵	لبنان
۲۱٫۷	۱۴٫۸	۳۵٫۱	۱۸٫۷	۳۴٫۹	۲۱٫۷	۴٫۷	سوریه
۱۵٫۴	۱۹٫۶	۲۰٫۴	۲٫۹	۳۶٫۸	۶٫۱	۶٫۶	ایران
۸٫۳	۴٫۸	۱٫۹	۱۴٫۸	۹٫۱	۱٫۹	۱۷٫۱	عراق

World Bank, Aggregate Governance Indicators, 2011

بر اساس ستون متوسط جدول فوق، کشور قطر با متوسط رتبه ۷۰/۲ در رتبه نخست کشورهای منطقه قرار دارد. بعد از این کشور، کشورهای امارات و عمان قرار دارند که از نظر این رتبه متوسط، شبیه به یکدیگر می‌باشند. اما ایران پس از عراق، جزء نامناسبترین کشورهای منطقه از نظر شاخص‌های حکمرانی خوب قرار دارد. اگر جدول فوق را بر اساس شاخص کیفیت مقررات رتبه‌بندی نمائیم، کشورهای قطر، عمان، امارت، ترکیه و اردن، وضعیت بهتری نسبت به سایر کشورهای منطقه دارند. همچنین جالب آن است که بر اساس این طبقه‌بندی، وضعیت کشورهای برتر منطقه بسیار شبیه‌تر به هم می‌گردد. پنج کشور عمان، امارت، ترکیه و اردن، از نظر کیفیت مقررات، دامنه‌ای بین ۶۰ تا ۷۰ را دارند. اما دوباره ملاحظه می‌گردد که کشورهای ایران، سوریه و عراق، از این نظر وضعیت مناسبی دارند. برای اینکه وضعیت کیفیت مقررات ایران بهتر دریا بیم، این شاخص را برای ایران و نیز کشور ترکیه به عنوان یک کشور موفق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش سوم اقتصاد و همچنین رتبه جهانی این کشورها در این شاخص برای دوره ۱۰-۲۰۰۸ در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶: شاخص کیفیت مقررات برای کشورهای ایران و ترکیه طی ۱۰-۲۰۰۸ و رتبه این کشورها در این شاخص

۲۰۱۰		۲۰۰۹		۲۰۰۸		
مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	
-۱٫۶	۲٫۸۵	-۱٫۶۵	۲٫۳۴	-۱٫۵	۳٫۳۹	ایران
۰٫۳۸	۶۱٫۲۴	۰٫۳	۶۱٫۲۴	۰٫۲۸	۵۹٫۷	ترکیه

World Bank, Aggregate Governance Indicators, 2011

مقدار شاخص کیفیت مقررات برای ایران طی ۱۰-۲۰۰۸، همواره منفی بوده است. دیده می‌شود که رتبه ایران در این شاخص از سال ۲۰۰۸ به سال ۲۰۰۹ تنزل و از سال ۲۰۰۹ به سال ۲۰۱۰ قدری بهبود یافت؛ اما به طور کلی، رتبه ایران در شاخص کیفیت مقررات طی ۱۰-۲۰۰۸، همیشه جزء کشورهای نامناسب جهانی بوده است؛ این شاخص برای کشور ترکیه طی دوره مورد بررسی، همیشه مثبت و رو به بهبود بوده است. همچنین دیده می‌شود که رتبه ترکیه در شاخص کیفیت مقررات همواره بسیار بهتر از ایران طی ۱۰-۲۰۰۸ بوده است. برای اینکه وضعیت مشارکت دولتی و خصوصی در زیر ساختها را بتوانیم با شاخصهای مورد مطالعه در رابطه با کشورهای واقع در غرب آسیا (شامل حکمرانی خوب و آزادسازی اقتصاد) ارتباط دهیم، در جدول زیر، مقدار مشارکت بخش دولتی و خصوصی زیرساختهای سخت کشورهای با درآمد متوسط و پائین در غرب آسیا طی ۲۰۱۱-۱۹۹۰ در جدول زیر آورده شده است. هرچند می‌باید مدنظر قرار داد که آمارهای مشارکت دولتی و خصوصی طی فاصله دو دهه ۲۰۱۱-۱۹۹۰ نسبت به ارقام مرتبط با آزادسازی و شاخصهای حکمرانی خوب، مدت زمان طولانی‌تری را در بر می‌گیرد و لذا اگر اندازه مشارکت دولتی و خصوصی با شاخصهای توسعه‌ای مورد اشاره بستگی داشته باشد، می‌باید دوره‌های زمانی شاخصهای توسعه‌ای و مشارکتی دولتی و خصوصی در زیرساختها هماهنگی و جود داشته باشد که در ادامه، آمار و ارقام مشارکت خصوصی و دولتی در زیرساختهای کشورهای طر دوره مورد بررسی ۲۰۱۱-۱۹۹۵ نیز بررسی خواهد شد. همچنین آمار مشارکت دولتی و خصوصی در زیرساختها، آمار مشارکت دولت با بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی توامان نشان می‌دهد؛ اما این فرض که کشوری که آزادسازی بیشتری در زیرساختها برای مشارکت با بخش خصوصی انجام داده است، FDI بیشتری نیز در حیطة جذب خواهد کرد، زیاد دور از واقع نیست.

جدول ۷: مشارکت‌های دولتی و خصوصی در زیرساختهای کشورهای با درآمد پائین و متوسط کشورهای غرب آسیا طی ۲۰۱۱-۱۹۹۰ (میلیون دلار و جاری)

بخش	انرژی	مخابرات	حمل‌ونقل	آب و فاضلاب	جمع
ترکیه	۲۲۸۴۷	۲۹۵۸۸۴	۸۰۱۹۰	۹۴۲	۶۱۰۸۶۲
عراق	۵۹۰	۵۰۹۶۱	۵۰۰	۰	۷۰۰۵۱
اردن	۹۸۹	۲۶۲۲	۱۰۵۶۲	۱۰۱۲۰	۶۰۲۹۳
ایران	۶۵۰	۲۰۷۱۵	۰	۰	۳۰۳۶۵
سوریه	۰	۹۵۶	۸۲	۰	۱۰۰۳۸
لبنان	۰	۶۷۴	۱۵۳	۰	۸۲۷

Source: World Bank, *Public-Private Infrastructure (PPI) Advisory Facility*, 2011

جدول ۷ نشان می‌دهد که کشور ترکیه با مجموع ۶۱ دلار مشارکت دولتی و خصوصی در زیرساختهای سخت، در بین کشورهای با درآمد متوسط و پائین واقع در غرب آسیا، بیشترین رتبه را داشته و تفاوت زیادی نیز با بقیه کشورها دارد. دیده می‌شود که از این نظر، اردن و عراق، وضعیت بهتری از ایران دارند و سوریه و

لبنان، وضعیت بدتری از سایرین از این نظر دارند. گرچه می‌باید در این بحث اندازه اقتصاد داخلی را نیز مد نظر قرار داد و ضمن آن، زیرساختها نرم را نیز لحاظ کرد، زیرا اقتصادی که بزرگتر باشد، زیرساختها بیشتری نیز لازم دارد و بالتبع، مشارکت دولتی و خصوصی بیشتری نیز در این زمینه می‌تواند انجام شود؛ ولی در بین کشورهای فوق، تنها GDP ترکیه از ایران بیشتر بوده و GDP سایر کشورها مورد بررسی در جدول (۷)، از ایران کمتر است (بر حسب قیمتهای ثابت سال ۲۰۰۰، GDP ترکیه و GDP ایران در سال ۲۰۰۷، به ترتیب در حدود ۳۷۳ و ۱۵۱ میلیارد دلار بوده است).<sup>۱</sup>

همچنین جدول (۷) نشان می‌دهد که به غیر از ترکیه و اردن، کشورهای مورد بررسی در تمامی زیرساختهای سخت طی ۲۰۱۱-۱۹۹۰، مشارکت دولتی و خصوصی نداشته‌اند؛ مخصوصاً این امر در مورد آب و فاضلاب و نیز زیربخش انرژی کاملاً مشهود است. مقدار ۶۵۰ میلیون دلار مشارکت در بخش انرژی ایران نیز تنها در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت و بعد از آن، دیگر مشارکتی در این زمینه اتفاق نیفتاده است. در مورد ایران، آمارها و ارقام منتشره از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۲۰۰۴، هیچ مشارکت خصوصی و دولتی در بخش زیرساختها صورت نگرفته است (see World Bank, PPI, 2011). به‌طور کلی، تا قبل از سال ۲۰۰۲، FDI چندان به ایران جذب نشده بود، اما پس از تصویب قانون جدید در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی (قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی) در سال ۲۰۰۲، جذب FDI به بخشهای اقتصادی ایران، شامل استخراج، تولید کارخانه‌ای و خدمات، جهش زیادی یافت؛ هرچند هنوز مقادیر سالانه جذب FDI به ایران، قابل مقایسه با کشورهای موفق منطقه، نظیر ترکیه، نیست. در مورد ترکیه، این کشور تا قبل از سال ۱۹۹۵، مشارکت دولتی و خصوصی چندان در زیرساختها نداشته است و همچنین مقدار ۹۴۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مشترک در زیربخش آب و فاضلاب، مربوط به سال ۱۹۹۶ می‌باشد و بعد از آن سال، دیگر مشارکتی در این زیرساخت کشور ترکیه، صورت نگرفته است. در جدول (۴) ملاحظه شد که این کشور گرچه از نظر رتبه جهانی آزادسازی اقتصادی در بین کشورهای واقع در غرب آسیا، در بهترین رتبه قرار ندارد، اما از نظر آزادسازی سرمایه‌گذاری، جزء بهترین کشورهای غرب آسیا محسوب می‌گردد.

#### ۵- تجدید ساختار در فعالیتهای زیرساختی

همانطور که در این مقاله ملاحظه شد، بیم زیادی در رابطه با خصوصی‌سازی که در آن بخش خصوصی مالکیت و یا مدیریت زیرساختها را داشته باشد، وجود دارد و همانطور که ذکر شد برای مشارکت دولتی و خصوصی در زیرساختها، حداقل آزادسازیهائی نیاز است و در صورت بیم از مداخله بخش خصوصی در زیرساختها، آزادسازی نمی‌تواند انجام گیرد. راه‌حلی که برای دخالت بخش خصوصی با وجود تمام دغدغه‌ها ارائه

۱- جدول (۳) نیز نشان داد که کشورهای واقع در غرب آسیا، مخصوصاً کشورهایی که از درآمد نفتی بالائی برخوردارند و جزء کشورهای با درآمد بالا محسوب می‌شوند، در بخش زیرساختهای نرم نظیر زیربخش مالی و مستغلات، FDI زیادی جذب نموده‌اند که جدول (۷) به این موضوع نمی‌پردازد.

شد و برخی از کشورها آن را اجرا می‌کنند، تجدید ساختار در زیرساختها می‌باشد. تقریباً از اوایل دهه هشتاد، شاهد گرایش هرچه بیشتر کشورها در راستای خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و تجدید ساختار در فعالیتهای زیرساختی بوده‌ایم که دلایل آن به این شرح است: ۱- تجربه کشورهای گوناگون، به طور بارزی ناکارایی دخالت دولتها در امور اقتصادی را آشکار کرد. تفکرات نئولیبرالیستی دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، نقش بسیار مهمی در برجسته‌تر کردن این ناکاراییها داشتند. ۲- شواهد تجربی فراوان مبنی بر امکان فعالیت سودآور بنگاه‌های غیرانحصاری (دولتی یا تحت تنظیم مقررات) در قسمتهائی از زنجیره این فعالیتهای و ایجاد شبهات فراوان در مورد اینکه آیا می‌توان کل زنجیره فعالیت زیرساختی را دارای خصلت انحصار طبیعی تصور کرد (P. Grossman and Cole, 2003). ۳- تغییرات فنی صورت گرفته در صنایع زیرساختی نظیر ظهور فناوریهای مخابراتی بدون نیاز به شبکه فیزیکی یا امکان تولید برق با استفاده از مولدهای با مقیاس کوچک. ۴- گسترش دامنه تقاضا برای کالاها یا خدمات تولیدشده توسط فعالیتهای زیرساختی و گسترش مبادلات این خدمات در محدوده‌های جغرافیائی وسیع: تبادلات برق میان کشورهای همسایه یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه است. تغییرات ساختاری صورت گرفته در فعالیتهای زیرساختی (در راستای خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و تجدیدساختار) در اکثر کشورها، کم‌وبیش منطبق بر مسیر واحدی انجام شده است که به اختصار به این شرح است: ۱- مجزاسازی (مجزاسازی سازمانی، مجزاسازی فعالیتهای زنجیره ارزش، مجزاسازی جغرافیائی، مجزاسازی فنی) ۲- تجاری‌سازی و ایجاد رقابت در بخشهایی که امکان رقابت بین عرضه‌کنندگان در این بخشها وجود دارد. ۳- تدوین قوانین و مقررات ناظر بر رقابت بین فعالان بازار و همچنین تنظیم رفتار انحصاری در بخشهای غیررقابتی ۴- حرکت به سمت واگذاری بنگاه‌های دولتی موجود به بخش خصوصی ۵- طراحی و تشکیل سازمان تنظیم مقررات برای کنترل قیمت و کیفیت کالاها و خدمات صنایع زیرساختی و جلوگیری از تبانی یا تشکیل انحصار. ترتیب ذکرشده در فوق، به معنی لزوم اتمام یک مرحله برای شروع مرحله بعدی نیست؛ به عبارتی دیگر، مسیر طی شده در کشورها متناسب با تفاوت‌های بین آنها، متغیر بوده و در بسیاری از موارد، در برخی بازه‌های زمانی، طی این مراحل همزمان و هم‌راستا باهم صورت می‌گیرد. زیربخش برق از میان سایر زیربخشها، دارای بیشترین پیچیدگی برای تجدید ساختار بوده و بررسی دقیق مراحل تغییرات ساختاری با تمرکز بر این زیربخش، تمامی زوایای مربوط به این تغییرات را آشکار خواهد کرد. از اینرو، برای نمونه، فرآیند تجدید ساختار در صنعت برق ایران به عنوان یک زیرساخت مهم، بیان می‌گردد.

جداسازی، گام نخست ایجاد تجدیدساختار در صنایع زیرساختی محسوب می‌شود. تفکیک فعالیتهای مختلف زنجیره تولید برق، با هدف شرکتی شدن فعالیتهای مختلف زنجیره مزبور، طراحی و توسعه نظامهای تجاری برای فعالیت این شرکتها، شفاف شدن وضعیت سودآوری شرکت‌های دولتی (در فضای یک نظام تجاری مشخص) و ایجاد شرایط لازم برای واگذاری این شرکتها به بخش خصوصی انجام می‌شود (Joskow, 2000). در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی و با تشکیل وزارت آب و برق، شرکت توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای، انحصار تولید، انتقال و توزیع نیروی برق با مدیریت مرکزی توانیر، در اختیار شرکت‌های برق منطقه‌ای قرار گرفت. در دهه هفتاد و با تشکیل شرکت‌های توزیع، فعالیتهای مربوط به توزیع، به این شرکتها سپرده شد. از اوایل دهه هشتاد، برنامه

تجدیدساختار در صنعت برق ایران در دستور کار قرار گرفت. با تشکیل بازار برق به صورت مدل حوضچه برق که در آن شرکت‌های برق منطقه‌ای (به عنوان مالک تأسیسات تولید)، نقش تولیدکننده، شرکت‌های توزیع نقش خریدار و شرکت مدیریت شبکه نقش اپراتور مستقل سیستم را بازی می‌کنند، نخستین گام در فرآیند تجدیدساختار در صنعت برق ایران برداشته شد در واقع از آن زمان، فرآیند جداسازی در صنعت برق ایران صورت گرفت. واگذاری نیروگاه‌های دولتی به بخش خصوصی، انعقاد قراردادهای شیوه ساخت، مالکیت و بهره‌برداری (BOO) و شیوه ساخت، بهره‌برداری و تحویل (BOT) با سرمایه‌گذاران خصوصی و فراهم کردن امکان پیوستن این سرمایه‌گذاران به بازار عمده‌فروشی بعد از اتمام قرارداد یا انعقاد قراردادهای دوجانبه و همچنین گسترش رقابت در بخش توزیع، مهم‌ترین برنامه‌های وزارت نیرو در راستای پیشبرد فرآیند تغییرات ساختاری در صنعت برق ایران به شمار می‌رود.

در حال حاضر، حدود ۶ الی ۷ ظرفیت تولید برق ایران در چارچوب قراردادهای BOO و شیوه ساخت، بهره‌برداری و تحویل متعلق به بخش خصوصی است. از طرفی حدود همین مقدار ظرفیت در برنامه واگذاری قرار دارد. به طور مسلم با اتمام مدت قراردادهای BOO و شیوه ساخت، بهره‌برداری و تحویل (که تاکنون تمامی آنها پنج ساله بوده‌اند) و واگذاری نیروگاه‌های دولتی به بخش خصوصی، بازار برق ایران شکل واقعی‌تری را به خود خواهد گرفت. در حال حاضر، برنامه تجدیدساختار در صنعت برق ایران، در حال طی مراحل ابتدایی خود بوده و برای رسیدن به ساختارهایی مانند ساختار یک کشور توسعه‌یافته، راه بسیار سختی را در پیش رو دارد و آنچه که مهمتر از همه می‌باشد، این است که همان عواملی که به طور کلی موجب عدم جذب FDI به ایران می‌شود، در مورد عدم جذب FDI در زیربخش‌های بخش سوم اقتصاد ایران، شامل فعالیت‌های زیرساختی، صدق می‌کند که این موارد، بیشتر در شاخص‌های حکمرانی خوب ایران موجود است. عدم وجود قوانین مناسب برای فعالیت‌های بخش خصوصی در زیربخش‌های زیرساختی ایران، نیز در شاخص‌های حکمرانی خوب موجود است و بدی این شاخصها باعث می‌گردد که بخش خصوصی مایل نباشد تا در اینگونه فعالیتها وارد شود.<sup>۱</sup>

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به وضعیت بخش سوم اقتصاد کشورهای غرب آسیا در جذب FDI پرداخته شد. بخش سوم اقتصاد، بخشی است که زیرساخت‌های سخت و نرم در آن واقع شده‌اند. FDI به دلیل آثار توسعه‌ای که با خود دارد، کشورهای در حال توسعه بسیار خواهان جذب آن می‌باشند. مخصوصاً از آنجا که زیرساختها نیاز به سرمایه زیاد و تجربه مدیریتی دارد که ممکن است که یک کشور در حال توسعه قادر به فراهم کردن آن نباشد، دیده می‌شود که کشورهای در حال توسعه در حال حاضر نسبت به دو دهه گذشته، جذب FDI زیادی در بخش سوم اقتصاد خود داشته‌اند. برای ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که دارای آرمانهای توسعه‌ای "سند چشم‌انداز ۱۴۰۴" می‌باشد و نیز خواهان تحقق تولید بر اساس "اقتصاد ملی" می‌باشد، زیرساختها نقش اساسی

۱ - مهدی تقوی و مهدی رضائی (۱۳۸۹) و مهدی رضائی (۱۳۸۶) در مورد حکمرانی خوب و جذب FDI در ایران، بحث کرده است. این منبع نیز موضوع قوانین به عنوان مولفه‌ای از حکمرانی خوب خوب و جذب FDI در زیربخش‌های زیرساختی، تجربیات جهانی را آورده است (Colin Kirkpatrick and et al, 2006).

برای تحقق این اهداف بر دوش دارند و FDI در این میان با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، می‌تواند کمک شایانی کند.

بررسی وضعیت ایران از حیث جذب FDI و سهم زیرساختها از این جذب، نشان می‌دهد که ایران به طور کلی از برخی از کشورهای منطقه، جذب FDI بسیار پائینتری دارد (در مقایسه با کشورهای عربستان و ترکیه) و از طرف دیگر نیز سهم بخش سوم اقتصاد ایران از این جذب FDI، نسبت برخی از کشورهای منطقه، پائین می‌باشد (برای نمونه کشور ترکیه). آزادسازی اولین گام برای جذب FDI به یک اقتصاد می‌باشد که این مقوله در رابطه با جذب FDI به زیرساختها، پررنگتر است. از منظر آزادی اقتصادی و مخصوصاً آزادسازی سرمایه‌گذاری، ایران وضعیت مناسبی در غرب آسیا ندارد و این نشان می‌دهد که ایران نتوانسته است اولین گام پراهمیت را برای مشارکت خارجی‌ان در زیرساختهای خود بر دارد. سرمایه‌گذار خارجی مستقیم خارجی از سوی دیگر نسبت به مخاطرات بسیار حساس می‌باشد. در این مقاله برای سنجش مخاطرات سیاسی، از شاخصهای مرتبط با حکمرانی خوب استفاده شد و ملاحظه گشت که ایران به طور متوسط از نظر شاخصهای مرتبط با حکمرانی خوب، از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. کشورهای از منطقه که جذب FDI بالائی در زیرساختها داشته‌اند، کشورهایی می‌باشند که شاخصهای حکمرانی خوب آنها، از سایر کشورهای منطقه مناسبتر بوده است؛ مخصوصاً این موضوع در رابطه با شاخص کیفیت مقررات که مناسب بودن آن نقش بسیار مهمی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی در زیرساختها دارد، بسیار نمایان است.

بنابراین اولین گام برای جذب FDI به زیرساختهای ایران، آزادسازی سرمایه‌گذاری در این بخش از اقتصاد ایران می‌باشد. برخی از نگرانیها باعث شده است تا دولتها از دخالت بخش خصوصی و خارجی‌ان در زیرساختها پرهیز کنند که این امر در رابطه با ایران نیز صدق می‌کنند. ایران می‌تواند از روشی که بسیاری از کشورهای جهان برای مشارکت بخش خصوصی در ایجاد و مدیریت زیرساختها انجام می‌دهند و به تجدید ساختار زیرساختها موسوم است، استفاده کند. ایران برای جذب FDI به بخشهای اقتصادی خود، از جمله زیرساختهای خود، شاخصهای حکمرانی خوب خود، مخصوصاً شاخص کیفیت مقررات را بهبود دهد و برای این مهم، می‌تواند از تجربیات سایر کشورها استفاده کند

#### فهرست منابع

- تقوی، مهدی و مهدی رضائی؛ "تاثیر عواملی بجز سیاست آزادسازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق تجاری-صنعتی ایران؛" پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹
- رضائی، مهدی و حسن ولی‌بیگی؛ "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و کشورهای منطقه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛" موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۹۰
- رضائی، مهدی؛ "بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران؛" فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش. ۲۶، پائیز، ۱۳۸۶
- رضائی، مهدی؛ عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع ایران؛ تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چ

- Chandler, A. D., Jr., and J. W. Cortada (Eds); *A Nation Transformed by Information: How Information Has Shaped the United States from Colonial Times to the Present*; Oxford: Oxford University Press, 2000
- Edwards, Sebastian; *Information Technology and Economic Growth in Emerging Economics*; University of California, Los Angeles, September, 2001
- EIA, 2008, [http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epa/epa\\_sum.html](http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epa/epa_sum.html)
- EIA, 2008, <http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epa/epat2p2.html>
- EIA, 2008, <http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epa/epat7p3.html>
- EIA, 2008, [http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epm/table5\\_3.html](http://www.eia.doe.gov/cneaf/electricity/epm/table5_3.html)
- Gordon, Robert J.; "Interpreting the 'One Big Wave' in U.S. Long-term Productivity Growth," *Productivity, Technology and Economic Growth*, v. 1, 2000
- Grossman P., Cole; "The End of Natural Monopoly"; *The Economics of Legal Relationships*, Vol. 7, 2003
- IMF; *Balance of Payment Manual*; Revision of the Fifth Edition of the IMF's Balance of Payments Manual, Last Updated: January 2006
- International Trade Centre; *Investment Map*; 2011
- Joskow. P.; *Deregulation and Regulatory Reform in the U.S. Electric Power Sector in Deregulation of network Industries: what's next?*; 2000
- Kirkpatrick, Colin, David Parker and Yin-Fang Zhang; "Foreign Direct Investment in Infrastructure in Developing Countries: Does Regulation Make a Difference?"; *Transnational Corporations*; 15 (1), April 2006.
- Kolstad, Ivar and Espen Villanger; *Determinants of Foreign Direct Investment in Services*; Michelsen Institute Development Studies and Human Rights, WP, 2004
- Moosa, Imad; *Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice*; Palgrave, 2002
- Sader, Frank; *Attracting Foreign Direct Investment Into Infrastructure: Why Is It So Difficult?*; The International Finance Corporation and the World Bank, Foreign Investment Advisory Service(FIAS), 2000
- The Heritage Foundation; *Index of Economic Freedom*; 2011
- UNCTAD and WAIPA; "Promotion of Investment into Infrastructure: A Survey of Investment Promotion Agencies"; occasional note, 2008
- UNCTAD; FDI statistics, <http://www.unctad.org/fdistatistics>
- UNCTAD; *Handbook of Statistics*, 2011
- UNCTAD; *Measuring Restrictions on FDI in Services in Developing Countries and Transition Economies*; 2006
- UNCTAD; *World Investment Report*, various years
- World Bank; *Good Governance Indicators*; 2011
- World Bank; *Public-Private Infrastructure (PPI) Advisory Facility*, 2011
- World Bank; *World Development Indicators*, 2011